

## مورد پژوهی قتل در ایران<sup>۱</sup>

مهدی مالمیر\*

طرح مسأله: در این مقاله تلاش شده تا با دیدی ژرفانگر بر یکی از مسایل اجتماعی ایران یعنی قتل (دگرکشی) تمرکز شده و عوامل و شرایط بروز آن مورد مطالعه قرار گیرد.

روش: در این مطالعه از روشی نو بنام مورد پژوهی چندگانه در تشریح و تبیین وضعیت و شخصیت افراد مرتکب قتل استفاده شده است.

یافته‌ها: سطح تولید فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و انتظارات جامعه و خانواده دارای یک رابطه سهمی به شکل U معکوس با قتل است. علاوه بر این، هر گونه افزایش در نیازهای مادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیری مستقیم بر ارتکاب قتل می‌گذارد. در نهایت، این متغیر احساس نابرابری است که به عنوان عامل تشدیدکننده و تسهیل‌کننده قتل، عمل می‌نماید.

نتایج: به‌طور کلی این پژوهش نشان داد که نظریه کژرفتاری چلبی، نظریه‌ای جامع و قوی برای تبیین قتل در ایران است.

کلید واژه‌ها: انتظارات، قتل، مورد پژوهی چندگانه، نابرابری، نیاز  
تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۲۵

۱. نگارش این مقاله مرهون زحمات بی‌شائبه دکتر چلبی است که بر خود فرض می‌دانم از ایشان تشکر نمایم.

\* کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دستیار آموزشی دانشگاه پیام نور کرمانشاه <malmir77@yahoo.com>

## مقدمه

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌های اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های آن‌ها می‌شوند. مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند. به طوری که نوعی وفاق و آمادگی اجتماعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آن‌ها وامی‌دارد (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۱۲).

خشونت علیه غیر و یا تعرض به جان آدمی از جمله این مسایل است که کم‌تر شک و شبهه و حرف و حدیثی در مورد آن وجود داشته و دارد. شاید عمده‌ترین ویژگی که موجب تشخیص و وفاق همگان بر مسأله بودن قتل شده، بارز و عینی بودن آن باشد؛ بدین معنی که در تشخیص مسائل اجتماعی موجود در هر جامعه به دو خصلت عمقی بودن و یا سطحی بودن توجه می‌شود. جستجوی برخی مسائل نظیر مسائل فرهنگی احتیاج به تفکر و تعمق بیشتری دارد زیرا معمولاً آن‌ها در لایه‌های زیرین جامعه قرار گرفته و در نظر همگان نمی‌آید و عده‌ای خاص از نخبگان علمی و صاحبان اندیشه ره بدان می‌پرند. در مقابل مسائل دیگری چون فقر، سرقت، اعتیاد و خشونت در لایه‌های فوقانی جامعه جای دارند که تشخیص آن‌ها سهل و آسان می‌نماید.

از سوی دیگر، نگاهی به تحقیقات جامعه‌شناختی انجام شده در ایران حاکی از آن است که به روش‌های مقایسه‌ای کمی که به روش مقایسه با  $N$  بزرگ<sup>۱</sup> (نظیر پیمایش) مشهور است توجه کافی مبذول شده، اما از دیگر سو روش‌های مقایسه کیفی کم‌تر شناخته شده است (کوثری، ۱۳۸۶: ۱۴۴). در خصوص تحقیقات راجع به قتل نیز این حکم صادق

## 1. Large-scale Comparative Method

است؛ لذا با عنایت به این خلاء پژوهشی تصمیم گرفته شد تا با استفاده از روش‌های کیفی وضعیت دقیق این پدیده کنکاش شود. بدین ترتیب با انجام مصاحبه‌های ژرفانگر با افراد مرتکب قتل، ابعاد پنهان و نادیده گرفته شده این مساله بررسی شد.

## ۱) پیشینه تحقیق

در زمینه قتل و آدم‌کشی در کشور چند پژوهش خوب انجام شده است. کار تحقیقی عبدی با عنوان «مسائل اجتماعی قتل در ایران» از نمونه این تحقیقات است. عبدی در این پژوهش یک تیپولوژی مناسب از انواع قتل‌ها در ایران ارائه داده و آن را با متغیرهایی چون سن، وضعیت تاهل، سواد، محل و زمان قتل در ارتباط قرار داده است (عبدی، ۱۳۶۷). پایان‌نامه کشکولی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی دگرکشی جنایی در استان‌های ایران» که در سال ۱۳۷۴ انجام شده جزء کارهای خوب دیگر است. وی این تحقیق را با استفاده از روش تحلیل ثانویه و برای سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۱ استان‌های ایران انجام داده است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت اقتصادی، خرده فرهنگ خشونت، تعارضات بین افراد و اعمال کنترل اجتماعی می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که محرومیت اقتصادی به صورت مستقیم بیش‌ترین تاثیر را بر میزان دگرکشی دارد، هم‌چنین خرده فرهنگ خشونت از طریق تعارضات بین فردی بر دگرکشی اثر می‌گذارد (کشکولی، ۱۳۷۴). دیگر تحقیقات قابل اهمیت عبارت‌اند از، پایان‌نامه کارشناسی ارشد غانمی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به قتل‌های ناموسی در خوزستان» (غانمی، ۱۳۸۴) و پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد علی زکی با عنوان «بررسی نقش عوامل اجتماعی موثر بر قتل در استان اصفهان، سال‌های ۷۲ و ۷۱ و ۱۳۷۰» (زکی، ۱۳۷۴).

## ۲) چارچوب نظری

### ۲-۱) واکاوی ادبیات موضوع

صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با تمرکز بر علل متنوعی که می‌تواند سبب رفتار بزهکارانه گردد به تبیین جرم به‌طور کلی پرداخته‌اند. از این دسته، زیست‌شناسان به ویژگی‌های

جسمانی و خصوصیات صرف زیستی افراد توجه داشته و روان‌شناسان و روان‌کاوان به شالوده شخصیت یا مزاج یا نیروهای سرکش درونی که در اصطلاح فرویدی، نهاد گفته می‌شود، متمرکز شده‌اند. فروید در نظریه شخصیت، کژ رفتاری را به عنوان گونه‌ای بیماری روانی در نظر آورده که از ناپسامانی‌ها در یکی از لایه‌های سه‌گانه شخصیت (نهاد<sup>۱</sup>، خود<sup>۲</sup>، فراخود<sup>۳</sup>) و یا روابط آن‌ها با یکدیگر پدید می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲: ۱۱۳). جان دالارد در نظریه سرخوردگی و پرخاش‌گری<sup>۴</sup> می‌گوید که سرخوردگی همواره به پرخاش‌گری می‌انجامد و منشأ آن یا در ساخت شخصیت فرد و یا در محیط خارجی است. شدت سرخوردگی نیز بستگی به شدت نیازها، آرزوها<sup>۵</sup> و یا نیروهای درونی فرد دارد (همان: ۱۱۸).

اما جرم در نگاه جامعه‌شناسان به عنوان یک عمل مضر و خطرناک برای جامعه به شمار می‌آید و از دید برخی چون دورکیم موجب رنجش و آزدگی وجدان جمعی است. جرم معمولاً در ماهیت، عملی ضد اجتماعی است که جلوگیری از آن برای حفظ نظم و نظام موجود جامعه ضروری است (Fattah, 1997: 35-36).

به طور کلی می‌توان نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به انحرافات رفتاری که خواه به صورت عام به کژ رفتاری پرداخته و یا به شکل خاص مسأله قتل را مرکز مطالعات خود قرار داده باشند را در قالب چند رهیافت و دیدگاه مهم جای داد. این رویکردها و نظریه‌ها عبارت‌اند از فشار - محرومیت، بی‌سازمانی، ستیزه‌ارزشی، رفتار انحرافی، پرچسب‌زنی و انتقادی (رایبگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲؛ محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۹).

مفهوم محوری نظریه فشار - محرومیت یا نظریه فشار عمومی<sup>۵</sup>، تنظیم اجتماعی<sup>۱</sup> است.

1. Id
2. Ego
3. Super-Ego
4. Frustration and Aggression.
5. General Strain Theory

نظریه پردازان فشار معتقدند که تنظیم اجتماعی منبع فشار بر روی افراد است که می‌تواند در برخی حالت‌ها منجر به خشونت‌های مرگ‌بار شود (O'Brian & Stockyard, 2002: 126). رفتار انحرافی یا کج‌رفتاری در نظریهٔ مرتون نتیجهٔ تضاد و ناسازگاری بین اهداف فرهنگی تعریف شده و ابزارهای نهادینه شده (مشروع) جهت به‌دست آوردن آن اهداف در نظر گرفته می‌شود (همان). اکتیو نابرابری اقتصادی را به عنوان منبع ساختاری فشار تشخیص می‌دهد که منجر به انسداد سطح مطلق اهداف فرد و هم‌چنین افزایش احساس محرومیت نسبی می‌شود و در نهایت اثری مستقیم بر میزان‌های افزایشی جرم می‌گذارد (Pratt & Godsey, 2003: 616-617). روزنفلد و مسنر مفهوم پی‌هنجاری نهادی<sup>۲</sup> که اشاره به عدم تعادل بین عناصر فرهنگی و ساختار اجتماعی یک جامعه دارد را موجب افزایش خلق و خوی «درندگی» آن جامعه و افزایش جرم می‌دانند (Sawolainen, 2000:1022).

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی<sup>۳</sup> بر نقش تغییرات اجتماع در منابع اقتصادی و اجتماعی تاکید دارد و این تغییرات را اساساً نتیجهٔ فرآیند و الگوهای شهرنشینی و جداسازی مکانی می‌داند (Wikstrom, 1998:289). شاو، مکای و کورن هاوزر از طرفداران این تئوری هستند که ضعف کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری را سبب افزایش جرم می‌دانند. نظریهٔ دیگر، یادگیری اجتماعی است که با بی‌سازمانی اجتماعی نزدیکی زیادی دارد. طبق این نظریه، کژرفتاری یادگرفتنی است و بیش‌تر از طریق گروه‌های اولیه شکل می‌گیرد (رایبگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۱۱۰). ساترلند با مفهوم «پیوند افتراقی»<sup>۴</sup> و ولفگانگ و فراکوتی با مفهوم «خرده فرهنگ خشونت»<sup>۵</sup> که نشان از تاثیر نظام ارزشی خرده فرهنگ‌ها بر جامعه‌پذیری افراد داخل آن خرده فرهنگ دارد از این نظریه حمایت می‌کنند

1. Social Regulation
2. Institutional Anomie
3. Social Disorganization
4. Differential Association
5. Subculture of Violence

(Hannon, 2004:116).

تئوری‌های دیگری نیز در تبیین افزایش جرم مطرح شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها تئوری گزینش عقلانی و تئوری کنترل اجتماعی هیرشی و خودکنترلی گات فردسون است. علاوه بر این، تئوری تضاد، جرم و جنایت را ناشی از افزایش تضادهای اجتماعی و فرهنگی می‌داند که در نوشته‌های برخی صاحب‌نظران نظیر چمپلیس، مک گارل، کاستلانو و کوینی آمده است (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۳۳-۳۲۳).

اخیراً نیز نظریه‌پردازان حوزه انحرافات اجتماعی با یک رویکرد انتقادی به این مساله توجه کرده و معتقدند که می‌بایستی به جای تحلیل یکی از اجزای نظام اجتماعی، کل آن مورد بررسی قرار گیرد. این رویکرد تحت عناوینی نظیر جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی جدید، جرم‌شناسی رادیکال و نئومارکسیسم شناخته می‌شود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۸-۱۸۷).

## ۲-۲) نظریه کژرفتاری چلبی

در میان نظریه‌ها و رهیافت‌های مورد مطالعه، از نظریه چلبی (۱۳۸۵) جهت تبیین مساله استفاده شده است. جامعیت و چند بعدی بودن این نظریه به محقق اجازه خواهد داد که مساله مورد نظر یا کژرفتاری را از زوایای مختلف مورد توجه قرار دهد. این نظریه که از دید چلبی یک نظریه عمومی کژرفتاری است از تعریف رفتار شروع می‌کند. رفتار تابعی است از چهار سازه فرصت، نیاز، انتظار و معنا. براین اساس راست‌رفتاری در هر سطحی منوط به آن است که افراد و کنش‌گران فردی و جمعی فرصت مکفی در اختیار داشته باشند، نیازهایشان واقعی باشد، انتظارات معقول و موجه اجتماعی از آن‌ها وجود داشته باشد، در روابط اجتماعی‌شان احساس عدالت رابطه‌ای و در توزیع مواهب جامعه هم احساس عدالت توزیعی کنند. حال می‌توان گفت که کژرفتاری نقطه مقابل راست‌رفتاری است و به‌طور خلاصه هر نوع رفتاری را که از دایره شمول اخلاقی اکثریت جامعه خارج باشد دربرمی‌گیرد. بنابراین کژرفتاری وقتی رخ می‌دهد که:

الف) برای افراد فرصت کم یا زیاد باشد؛  
ب) فرد به دلایل مختلف نیاز زیاد داشته باشد؛  
ج) انتظارات اجتماعی از افراد پایین یا بالا باشد؛  
د) معناها نیز برای آن‌ها مبهم، غیر منطقی و ناموجه باشد.  
هم‌چنین در کنار این عوامل، شرایطی برای فرد فراهم شده باشد که احساس بی‌عدالتی رابطه‌ای و توزیعی نماید.

بار دیگر برمی‌گردیم به تابع رفتار و اجزاء تشکیل‌دهنده آن و توضیحات بیش‌تری را راجع به عناصر موجود در آن می‌آوریم. شکل کلی تابع رفتار که چلبی آن را ابرتتابع می‌نامد به صورت زیر است:

(رفتار = f معنا، انتظار، نیاز، فرصت

این تابع در برگیرنده قضایای متعددی است که چلبی (۱۳۸۵: ۱۰۰) آن‌ها را در ابتدا به شکل پنج قضیه ساده محوری مطرح می‌کند:

قضیه اول: سطح تولید فرصت‌ها ← کزرفتاری +

قضیه دوم: نابرابری در توزیع فرصت‌ها ← کزرفتاری U

قضیه سوم: میزان نیازها ← کزرفتاری +

قضیه چهارم: میزان انتظارات اجتماعی ← کزرفتاری U

قضیه پنجم: میزان ناسازگاری منطقی معانی ← کزرفتاری +

حال با تأکید بیش‌تر روی هر کدام از سازه‌ها می‌توان مکانیسم‌های ایجاد کزرفتاری و قضایای دیگری را استنتاج نمود.

الف) فرصت: موقعیت‌ها و شانس‌هایی است که یک جامعه تلاش می‌نماید برای افرادش فراهم آورد. فرصت‌ها بر اساس نظریه مزبور در چهار دسته عمده فرصت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند.

- فرصت‌های اقتصادی یا مادی شامل محیط درونی (مواهب زیستی - روانی) و محیط بیرونی (مواهب اقتصادی) هستند که نمونه‌های بارز آن کار، مسکن، غذا و پوشاک است.

مثلاً بی‌کاری به واسطه محرومیت مادی و طرد اجتماعی که موجب تحقیر اجتماعی و ناکامی می‌شود ممکن است به کژرفتاری بیانجامد.

با این توضیحات در این سطح نیز دو قضیه مهم‌تر عبارت‌اند از:

قضیه اول: کاستی مواهب زیستی / روانی فرد (محیط درونی) ← نوعی اختلال زیستی / روانی ← کژرفتاری

قضیه دوم: کاستی ابزارهای معیشتی (محیط بیرونی) ← انواع ناکامی ← کژرفتاری

- فرصت‌های سیاسی که می‌تواند در اختیار افراد قرار داشته باشد را می‌توان در سه دسته عمده امنیت، آزادی و نظارت بیرونی جای داد. امنیت در واقع دور بودن و فاریغ بودن از نوعی ترس و تهدید است که امنیت جهانی (فراغت از تهدید خارجی)، امنیت مالی (فراغت از تهدید مالی)، امنیت جمعی (فراغت از تهدید جمعی) و امنیت فکری (فراغت از تهدید فکری) را شامل می‌شود که در این معنا مترادف «آزادی منفی»<sup>۱</sup> است. آزادی، و به عبارت دقیق‌تر آزادی مثبت هم به معنی آزاد بودن افراد در تحقق بخشیدن به حقوق مشروع خود و حقوق انسانی است. فقدان هر یک از این ابعاد فرصت سیاسی به شکلی موجب بروز کژرفتاری می‌گردد.

- فرصت‌های اجتماعی یا رابطه‌ای در برگیرنده سه نوع از روابط اجتماعی است: روابط اولیه، رسمی و انجمنی. روابط اولیه در سطح گروه‌های خانوادگی، دوستانه، مذهبی و قومی به وجود می‌آید و به تشکیل «ما»های اولیه ختم می‌شود. روابط رسمی امکان ارتباط و مشارکت در سازمان‌های رسمی است که «ما»های شغلی از آن بوجود می‌آید و روابط انجمنی نیز که بیش‌تر در جوامع پیچیده امروزی دیده می‌شود شامل مشارکت مدنی در انجمن‌های داوطلبانه است که به تشکیل «ما»های انجمنی می‌انجامد. بنابراین هر نوع اختلال و اشکال در این روابط موجبات بروز کژرفتاری را فراهم می‌آورد.

## 1. Negative Freedom



- مصادیق فرصت‌های فرهنگی عبارت است از فکر کردن، تجربه کردن، یاد دادن و یاد گرفتن. محرومیت از هر کدام از این جنبه‌ها زمینه را برای بروز رفتاری تقلیدی، تعصبی و خرافی فراهم می‌آورد که به صورت عمدی و یا غیرعمدی می‌تواند به بروز کژرفتاری اجتماعی منتهی شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۰۳).

ب) نیاز: از دید چلبی نیازها به چهار دسته عمده نیازهای مادی (مثل نیازهای آلی و سوانق زیستی)، علایق و نیازهای سیاسی (مثل نیاز به امنیت، اعتماد به نفس، اعتماد اجتماعی و خوداثربخشی)، علایق و نیازهای اجتماعی (مثل نیاز به شناخت خود، جامعه، طبیعت و غایت) و نیازهای فرهنگی تقسیم می‌شوند. اما آنچه که در این زمینه مهم است، ارضاء معقولانه نیازهاست. اگر نیازهای افراد به دلیل تولید یا توزیع ناقص درست تأمین نشوند حالت انباشتگی به خود می‌گیرند که در صورت فراهم بودن شرایط نابه‌هنجاری، ناپرهیزگاری اخلاقی را در افراد موجب می‌گردند که سبب بروز کژرفتاری‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

ج) انتظارات و معانی: دو سازه باقی مانده از تابع رفتار، انتظارات و معانی هستند. انتظاراتی که جامعه از اعضایش دارد در صورتی که در ترکیب با عوامل دیگری دارای مقادیر بهینه یا کمیته باشد می‌تواند موجب بروز رفتار بزهکارانه گردد. چنین انتظاراتی را می‌توان در سطوح مختلف جامعه اعم از افراد، خانواده، گروه‌های مهم و... مورد توجه قرار داد. مفاهیم نیز هر یک دارای معانی خاص و واضحی هستند که توسط افراد ممکن است به صورت‌های مختلفی درک گردد. چنین برداشتی رفتار افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در اصل، معنا بر روی رفتار دارای اثر سیبرنتیکی است، یعنی بدان جهت می‌بخشد. حال اگر مفاهیم برای افراد غیرمنطقی و مبهم باشند و یا به عبارتی افراد دچار آنومی معنایی گردند، میل به ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در آن‌ها تشدید می‌شود.

بر اساس نظریه فوق فرضیه اصلی و محوری، جست و جوی پاسخی برای این سوال است که آیا در جریان وقوع قتل، تغییرات سازه‌ها (فرصت، نیاز، انتظار و معنا) به صورت ترکیب مورد نظر چلبی درآمده است یا خیر؟

همچنین فرضیات فرعی زیر نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف) هر چه در یک جامعه افراد از فرصت‌های بسیار کم و یا بسیار زیادی برخوردار باشند، احتمال ارتکاب کژرفتاری (قتل) در نزد آن‌ها بیش‌تر خواهد بود.

ب) هر چه میزان نیازهای افراد بیش‌تر باشد، میزان بروز کژرفتاری (قتل) بیش‌تر خواهد شد.

ج) به هر مقداری که انتظارات اجتماعی از افراد بالا و یا پایین باشد، احتمال ارتکاب کژرفتاری (قتل) بیش‌تر خواهد شد.

### ۳) روش تحقیق

در این پژوهش بر حسب موضوع و نظریه مورد مطالعه از روش موردپژوهی که یکی از روش‌های کیفی در علوم اجتماعی است، استفاده شده است. موردپژوهی، بررسی یکه‌نگارانه از یک فرد، گروه یا جامعه خاص است. هدف اصلی این نوع مطالعه عبارت است از توصیف؛ اگر چه تلاش برای تبیین نیز در آن پذیرفتنی است (ببی، ۱۳۸۱: ۵۸۵).

جدول ۱: نوع‌شناسی موردپژوهی

موردپژوهی چندگانه	موردپژوهی یگانه	
نوع سوم	نوع اول	کلی (یک واحد تحلیل)
نوع چهارم	نوع دوم	مبسوط (چند واحد تحلیل)

از آن‌جا که ما در این پژوهش با یک واحد تحلیل (فرد) به تعداد بیش از یک نفر سروکار داشتیم از مدل موردپژوهی چندگانه کلی استفاده شد.

### ۳-۱) اعتبار و پایایی

از جمله سوالاتی که همواره در مورد یک روش تحقیق پرسیده می‌شود بحث اعتبار و پایایی آن روش است. در حقیقت در موردپژوهی می‌توان به کمک تاکتیک‌هایی چون اعتبار سازه، اعتبار درونی، اعتبار بیرونی و پایایی به آزمون طرح تحقیق پرداخت.

الف) اعتبار سازه<sup>۱</sup>: به منظور بالا بردن اعتبار سازه در انجام موردپژوهی از تاکتیک نقد و بررسی دستنویس گزارش موردپژوهی توسط مخبران اصلی استفاده شد.

ب) اعتبار درونی: این نوع اعتبار، تعیین روابط علی است که در این‌جا از روش تطبیق الگو<sup>۲</sup> برای این منظور استفاده شده است.

ج) اعتبار بیرونی: عبارت است از تعیین قلمرویی که می‌توان یافته‌های تحقیق را به آن تعمیم داد. مهم است بدانیم در موردپژوهی بین دو نوع تعمیم آماری و تعمیم تحلیلی تمایز وجود دارد. در تعمیم آماری<sup>۳</sup> بر پایه داده‌های تجربی گردآمده از نمونه، استنباط در مورد جمعیت یا جامعه آماری به عمل می‌آید. در موردپژوهی از این نوع تعمیم نمی‌توان استفاده کرد زیرا در اینجا موردها واحدهای نمونه‌گیری نیستند؛ در عوض از نوعی تعمیم به‌نام تعمیم تحلیلی<sup>۴</sup> بهره برده می‌شود. در این روش بر اساس نظریه‌ای که قبلاً ساخته شده، الگویی طراحی می‌شود و سپس نتایج تجربی موردپژوهی با آن مقایسه می‌گردد. اگر دو مورد یا بیش‌تر برای تأیید همان نظریه ازایه شود می‌توان گفت که تکرار صورت پذیرفته است. بنابراین به دنبال چنین پیشامدی که با نام منطق تکرار<sup>۵</sup> شناخته می‌شود، می‌توان نتایج را به نمونه‌های بیش‌تر تعمیم داد.

د) پایایی<sup>۶</sup>: آگاهی داشتن از شیوه انجام موردپژوهی قبلی برای محققى که به دنبال

1. Construct Validity
2. Statistical Generalization
3. Analytical Generalization
4. Replication Logic
5. Reliability

آزمون نتایج (بایایی) است اهمیت زیادی دارد. از این رو تاکتیک اصلی تهیه پروتکل برای این منظور در نظر گرفته شد (کی‌بین، ۱۳۷۸: ۵۰-۴۱).

### ۳-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این مطالعه تمامی قاتلین زندانی شده یکی از زندان‌های استان تهران در سال ۱۳۸۳ که حکم اعدام آن‌ها صادر و یا قطعی شده بود را شامل می‌شود. هدف از در نظر گرفتن صفت اعدامی بودن افراد این است که معمولاً افراد مجرم و یا مظنون به جرم تا قبل از قطعی شدن نتیجه حکم خود در پاسخ‌گویی به سوالات تحقیقاتی و پژوهشی جانب احتیاط را رعایت می‌نمایند و از بازگو کردن حقایق طفره می‌روند.

هر چند که در مورد پژوهی بحث نمونه‌گیری به همان معنایی که در روش‌های کمی وجود دارد دیده نمی‌شود، اما محقق می‌بایستی که از میان جامعه آماری واحدهای مورد مطالعه خود را گزینش نماید اما تقریباً با دستی باز. از این رو با توجه به عواملی که در بالا بدان اشاره شد، از میان زندان‌های استان تهران، زندان رجایی‌شهر کرج به دلایلی نظیر وجود تعداد بیش‌تر و همسان‌تری از نمونه‌های مورد مطالعه و همچنین امکان هماهنگی با مسئولین، انتخاب شد. از میان قاتلین موجود در این زندان نیز با توجه به طرح تحقیق و استراتژی مورد پژوهی و بر اساس صفات زیر یک نمونه‌نمایی<sup>۱</sup> یا معرف انتخاب گردید:

الف) موردها هم شامل قاتلینی شود که با طرح و نقشه قبلی و به‌صورت برنامه‌ریزی شده اقدام به قتل نموده‌اند، یعنی قاتلین حرفه‌ای<sup>۲</sup> و هم شامل موردهایی شود که به‌صورت تصادفی اقدام به قتل نموده‌اند، یعنی قاتلین هیجانی<sup>۳</sup>.

ب) حکم اعدام قاتلین تقریباً قطعی شده باشد.

ج) جهت انجام تحلیل‌های مقایسه‌ای از هر دو جنس زن و مرد باشند.

1. Modal Type
2. Cold Killer
3. Passion Killer

بدین ترتیب با کمک مسئولین قسمت مددکاری زندان فهرستی از این دسته قاتلین از روی لیست‌های کامپیوتری تهیه و با توجه به شناخت مددکاران و مشورت با نمونه‌های انتخابی و جلب رضایت آن‌ها، در نهایت تعداد چهار مورد شامل سه مرد و یک زن جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند.

### ۳-۳) روش اجرا

بعد از نمونه‌گیری، هریک از موردها به‌طور جداگانه در محل دفتر مددکاری زندان و با حضور مددکاران مورد مصاحبه قرار گرفتند. نوع مصاحبه به‌صورت نیمه باز بود؛ یعنی این‌که از قبل با توجه به تئوری انتخاب شده متغیرهای مورد بررسی مشخص بودند لیکن پاسخ‌گو آزادانه به درد دل با پرسش‌گر (محقق) می‌پرداخت. هر چند در این قسمت سعی شد جریان مصاحبه در مسیر پرسش‌های اصلی قرار گیرد و از بیراهه رفتن آن جلوگیری به عمل آید، اما باز هم اطلاعاتی خارج از سوالات اصلی ارائه شد که این امر سبب طولانی شدن مدت مصاحبه شد به طوری‌که متوسط زمان پاسخ‌گویی یک روز کاری بود. از محدودیت‌های روشی این پژوهش می‌توان به عدم اجازه در ضبط متن مصاحبه‌ها به‌صورت صوتی و هم‌چنین در اختیار قرار ندادن یک فضای خصوصی و مجزا جهت انجام مصاحبه‌ها اشاره کرد.

### ۳-۴) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

قدم نهادن در حیطه تبیین در موردپژوهی کاری دشوار است زیرا در این روش دیگر از قدرت و اعتبار آزمون‌های آماری مختلف خبری نیست. علی‌رغم این مسائل در این پروژه برای این کار، وضعیت موردهای مختلف را با هر یک از اجزاء و عوامل چارچوب نظری تطبیق داده و میزان تکرارپذیری آن‌ها را به‌دست آوردیم. بدین منظور ابتدا مصادیق تجربی هر یک از فرضیات استخراج (عملیاتی کردن متغیرها) و سپس در قالب مقوله‌های مربوطه جمع شد. به عنوان نمونه مقوله وضع رفاهی زندگی در برگیرنده معرف‌هایی هم‌چون امکانات رفاهی در اختیار نظیر اثاثیه و تجهیزات منزل، ماشین، پوشاک و امکانات تفریحی می‌شد. در مرحله بعد با توجه به وضعیت هر یک از موردها (Case) موارد انطباقی

محاسبه گردید. بنابراین متناهی که در خانه‌های جدول آمده بیان‌گر وضعیت مردها و اعداد مربوط به خانه «مقولات انطباقی» نیز نشان‌دهنده تعداد انطباق مقوله‌ها با اصل نظریه است. همچنین کل مقولات مورد بررسی و درصد انطباق و درصد کل نیز در جداول منعکس شده است. نکته مهم این‌که، نتایج و تحلیل‌ها منطبق با برداشت محقق از نوع پاسخ‌ها و نحوه رفتار آن‌ها در حین مصاحبه است؛ لذا باید با دیدی احتمالی و نه کاملاً قطعی به نتایج نگریست.

## ۴) یافته‌های پژوهش

### ۴-۱) یافته‌های توصیفی

دامنه سنی افراد مورد مطالعه بین ۲۰ تا ۳۸ سال بود که دو نفر از آن‌ها متأهل و دو نفر نیز مجرد بودند. همه موارد به غیر از مورد خانم، سابقه جرم قبلی و مصرف مشروبات الکلی داشتند. قتل صورت گرفته توسط دو نفر اتفاقی و دو مورد دیگر برنامه‌ریزی شده بوده که در قتل‌های اتفاقی، قاتل پس از عمل خود احساس ندامت، نفرت از خویش و دل‌سوزی نسبت به مقتول را داشته، اما در مورد قتل‌های برنامه‌ریزی شده، قاتل احساس رضایت و خوشحالی می‌نموده است. محل ارتکاب قتل در سه مورد فضای بسته (خانه) و در یک مورد فضای باز (خیابان) و ابزار قتل در سه مورد اسلحه سرد و در یک مورد اسلحه گرم بوده است.

### ۴-۲) یافته‌های تبیینی

مطابق با نتایج به دست آمده، اگر سطح تولید فرصت‌ها در یک حد متوسط و منطقی باشد احتمال بروز کژرفتاری کم‌تر است، اما هرچه میزان تولید فرصت‌ها کم‌تر و یا این‌که زیادتر شود کژرفتاری نیز بیش‌تر به وقوع می‌پیوندد. جدول شماره ۲ وضعیت مصادیق این فرضیه نزد چهار موردی که مرتکب قتل شده‌اند را در ارتباط با سه نوع فرصت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نشان می‌دهد. فرصت‌های اجتماعی به دلیل اهمیت‌شان در جدولی جداگانه آمده است.

جدول ۲: میزان تطبیق و تکرار پذیری «سطح تولید فرصت‌ها»

درصد	جمع	مصادیق				عامل نظری (متغیر مستقل)	
		مورد چهارم	مورد سوم	مورد دوم	مورد اول	انواع	سطح
		متوسط	عالی	بسیار بد	متوسط	وضع رفاهی زندگی	فرصت اقتصادی
		متوسط (شاغل در شرکت ساختمانی)	بسیار خوب (مدیر عامل شرکت)	بیگار (در مقطعی سرایه دار)	متوسط رویه پایین (شاگرد خیاط)	شغل	
		متوسط	کاملاً مناسب	مستاجر (کاملاً نامناسب)	متوسط به پایین	مسکن	
۶۶/۶۷	۸	۰	۳	۳	۲	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۱۲	۳	۳	۳	۳	کل مقولات (N)	
		پایین (تهدید مالی و جمع)	متوسط	پایین (تهدید جمعی و مالی)	پایین (تهدید جانی)	امنیت	فرصت سیاسی
		آزادی بالا	متوسط	متوسط	کاملاً آزاد	آزادی	
		ضعف نظارت نیروهای انتظامی به همراه سخت گیری و نظارت شدید خانواده	ضعف نظارت نیروهای انتظامی به همراه ضعف نظارت والدین	ضعف نظارت نیروهای انتظامی به همراه نظارت و سختگیری شدید خانواده	ضعف نظارت بیرونی توسط نیروهای انتظامی به همراه ضعف نظارت خانوادگی	نظارت	
۷۵	۹	۳	۱	۲	۳	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۱۲	۳	۳	۳	۳	کل مقولات (N)	
		متوسط (دیپلم عمران)	متوسط رو به بالا (فوق دیپلم مکانیک)	متوسط رویه پایین (سوم نظری گرافیک)	ابتدایی (اول وامنمایی)	تحصیلات (یاد دادن و یاد گرفتن)	فرصت فرهنگی
		متوسط	بالا	متوسط	پایین	میزان هوش (فکر کردن)	
۶۲/۵	۵	۰	۲	۱	۲	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۸	۲	۲	۲	۲	کل مقولات (N)	
۶۸/۷۵	۲۲	۳	۶	۶	۷	مقولات انطباقی	جمع کل
۱۰۰	۳۲	۸	۸	۸	۸	کل مقولات (N)	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نزدیک به ۶۷ درصد از موردها از لحاظ فرصت‌های اقتصادی در وضعیتی قرار داشته‌اند که احتمال بروز کژرفتاری را در آن‌ها تشدید می‌کرده است. در این زمینه وضعیت مورد دوم و سوم واضح‌تر است با این تفاوت که این دو مورد در دو سمت طیف قرار می‌گیرند. مورد دوم در هنگام وقوع کژرفتاری (سرقت به همراه قتل) از نظر وضعیت مالی چنان آشفته و ضعیف بوده که به گفته خودش تقریباً چیزی از مال دنیا نداشته، حال آن‌که آن‌ها زوج جوانی بوده‌اند که در مرحله ابتدایی زندگی قرار داشته‌اند. قرار گرفتن آن‌ها در کنار خانواده‌ای کاملاً ثروتمند (خانواده مقتول)، آگاهی از تفاوت وضع خود با یک وضعیت مطلوب را در آن‌ها بالاتر برده است. از طرف دیگر، مورد سوم دارای زندگی کاملاً راحت و آسوده بوده که هیچ‌گونه دغدغه و مخاطره‌ای را در طول زندگی و در هنگام کژرفتاری درک ننموده است.

حدود ۶۲/۵ درصد شرایط موردها در ارتباط با فرصت‌های فرهنگی در هنگام کژرفتاری منطبق با نظریه بوده است. دو مقوله تحصیلات و میزان هوش، معرف‌های فرصت فرهنگی در نظر گرفته شده‌اند که تحصیلات، شاخصی کاملاً مشخص و معتبر است اما هوش را با توجه به نحوه تعامل و رفتار پاسخ‌گو با محقق و هم‌چنین شکل پاسخ‌گویی آن‌ها به سوالات برآورد کرده‌ایم. در مجموع می‌توان گفت از نظر وضعیت فرصت‌هایی که در اختیار موردها قرار داشته، نزدیک به ۷۰ درصد شکلی جرم‌زا داشته‌اند. به عبارت دیگر حدود ۳۰ درصد وضعیت فرصت‌ها در حالتی متوسط بوده و ۷۰ درصد مابقی به صورت کم و یا زیاد در اختیار موردها قرار داشته است.

جدول شماره ۳ وضعیت فرصت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. در این جدول به دو عامل شدت و کیفیت نوع روابط اجتماعی موردها که از معرف‌های فرصت اجتماعی به شمار می‌آید توجه شده است. بر این اساس شدت روابط را در سه مقوله ضعیف، متوسط و قوی و کیفیت روابط را در دو مقوله سالم و ناسالم مورد توجه قرار داده‌ایم.



جدول ۳: میزان تطبیق و تکرارپذیری «سطح تولید فرصت‌های اجتماعی»

درصد	جمع	مصادیق								حامل نظری (متغیر مستقل)		رابطه آریه	رابطه رسمی	رابطه اجتماعی
		مورد چهارم		مورد سوم		مورد دوم		مورد اول		مقولات				
		شدت	کیفیت	شدت	کیفیت	شدت	کیفیت	شدت	کیفیت	شدت	کیفیت			
		ناسالم	ضعیف	سالم	متوسط	سالم	قوی	—	ضعیف	خانوادگی				
		ناسالم	ضعیف	—	ضعیف	سالم	متوسط	ناسالم	قوی	دوستی				
		ناسالم	ضعیف	سالم	ضعیف	ناسالم	ضعیف	ناسالم	ضعیف	همسایگی				
۶۶/۶۷	۱۶	۳	۳	۰	۲	۱	۲	۲	۳	مقولات انطباقی				
۱۰۰	۲۴	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	کل مقولات (N)				
		ناسالم	ضعیف	سالم	متوسط	—	—	سالم	متوسط	کار				
		ناسالم	—	سالم	متوسط	سالم	متوسط	ناسالم	قوی	مدرسه				
۳۱/۲۵	۵	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	مقولات انطباقی				
۱۰۰	۱۶	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	کل مقولات (N)				
۵۲/۵	۲۱	۵	۴	۰	۲	۱	۲	۳	۴	مقولات انطباقی				
۱۰۰	۴۰	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	کل مقولات (N)				

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود میزان انطباق روابط اولیه نسبت به روابط رسمی با اصل نظریه کژرفتاری بیش‌تر است که نشان از حساسیت بیش‌تر این روابط در تولید بزهکاری دارد. حالت انباشتگی گرفتن نیازها به دلیل عدم برآورده شدن، موجب احساس نیاز شدید شده و احتمال بروز کژرفتاری را در افراد بالا می‌برد. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که هرکدام از موردها در زمینه برآورده شدن یک یا چند دسته از نیازها دچار کمبودهای شدید بوده‌اند و چنین وضعیتی منطبق با نظریه کژرفتاری می‌باشد.

جدول ۴: میزان تطبیق و تکرارپذیری «نیازها»

درصد	جمع	مصادیق				حامل نظری (متغیر مستقل)	
		مورد چهارم	مورد سوم	مورد دوم	مورد اول	انواع	حامل
		احساس نیاز شدید به پول به خاطر برشکستگی خانواده	عدم احساس نیاز به مادیات	نیاز شدید به پول و امکانات به خاطر وضعیت ناپه سامان زندگی	نیاز به کسب پول و درآمد حتی از راه‌های غیرقانونی	مادری	
۷۵	۳	۱	۰	۱	۱	مقولات انتطابقی	
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
		احساس نیاز به خود اثربخشی و امنیت	احساس نیاز شدید به امنیت در زمان وقوع قتل	—	—	سیاسی	
۵۰	۲	۱	۱	۰	۰	مقولات انتطابقی	
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
		—	احساس نیاز بالا به ادامه تحصیل به خاطر شکست در مصاحبه ورود به دانشگاه	—	احساس کمبود در مورد امکانات فرهنگی بویژه در دوران تحصیل	فرهنگی	
۵۰	۲	۰	۱	۰	۱	مقولات انتطابقی	
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
		احساس نیاز شدید به داشتن روابط اجتماعی یا دیگران	احساس کمبود شدید در زمینه برآورده شدن نیازهای عاطفی درون خانواده	نیاز به اعتماد اجتماعی بیشتر از سمت خانواده	نیاز شدید به برتری طلبی و منزلت اجتماعی	اجتماعی	
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	مقولات انتطابقی	
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
۶۸/۷۵	۱۱	۳	۳	۲	۳	مقولات انتطابقی	جمع
۱۰۰	۱۶	۴	۴	۴	۴	کل مقولات (N)	کل

مطابق جدول فوق، ۷۵ درصد موردها در زمینه ارضاء نیازهای مادی دچار مشکل بوده‌اند و کمبودهای ویژه‌ای را در زندگی خود مخصوصاً در هنگام قتل احساس نموده‌اند. مورد اول با آگاهی از این کمبودها راه‌حل چبران آن را حتی در کارهای غیرقانونی که به گفته خویش آن‌ها را در زندان آموخته است می‌بینند. مورد دوم خالت مشخص‌تری داشته و دچار کمبودهای شدیدی بوده است. احساس نیاز سیاسی با وضعیت امنیتی سنچیده شده است. ۵۰ درصد موردها یعنی مورد سوم و چهارم در این ارتباط دچار مشکل بوده‌اند. هم‌چنین ۵۰ درصد موردها نیز به لحاظ فرهنگی احساس کمبود یا شکست نموده‌اند. در کل نزدیک به

۷۰ درصد موارد با قضایای نظری منطبق بوده که نشان دهنده میزان انطباق بالایی است. جدول شماره ۵ رابطه بین قتل و سطح انتظارات اجتماعی را نشان می‌دهد. مطابق با این جدول، ۵۰ درصد موردها گفته‌اند که فکر می‌کنند جامعه انتظاری از آنها ندارد یا اگر انتظاری وجود دارد خیلی ناچیز است. این وضعیت در مورد انتظارات خانوادگی صورت واضح‌تری داشته و موردها با دقت و توضیح بهتری آنرا بیان داشته‌اند. در این زمینه ۷۵ درصد موردها در معرض انتظارات بیش از حد و غیرمعقول و به تبع سختگیری‌های خانواده قرار داشته‌اند، که برآورده نمودن آن برای موردها کاری سخت بوده است. این در حالی است که مورد اول ابراز کرده که خانواده‌اش انتظارات زیادی از او نداشته و به همین دلیل تقریباً به حال خود رها شده بوده است.

جدول ۵: میزان تطبیق و تکرارپذیری «انتظارات»

درصد	جمع	مصادیق				حامل نظری (منفرد مستقل)	
		مورد چهارم	مورد سوم	مورد دوم	مورد اول	انواع	حامل
		—	جامعه از من انتظاری ندارد، فقط می‌خواهد که زودتر بمیرم.	انتظار زیادی ندارد و فقط می‌خواهد آدم نکشم	—	جامعه	انتظار زیاد
۵۰	۲	۰	۱	۱	۰	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۲	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
		انتظارانشان به ویژه در زمینه تحصیل نامعقول و اشتباه بود	انتظارات خانواده بیش از حد الان من بوده به ویژه در زمینه تحصیلی	انتظارات زیاد و سختگیری‌های شدید خانواده موجب اقدام به خودکشی شده است.	انتظار زیادی نداشتند فقط می‌خواستند کاری به کارشان نداشته باشم	خانواده	جمع کل
۱۰۰	۲	۱	۱	۱	۱	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۲	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)	
۷۵	۶	۱	۲	۲	۱	مقولات انطباقی	
۱۰۰	۸	۲	۲	۲	۲	کل مقولات (N)	

در کنار عواملی که از آن‌ها نام بردیم، وجود شرطی به نام احساس نابرابری موجب تسهیل و تشدید کژرفتاری‌ها می‌گردد. درک نابرابری، قدرت ارتکاب کژرفتاری را در افرادی که احساس نیاز شدید داشته، با انتظارات کم و یا بیش از اندازه مواجه بوده و از فرصت‌های اندک و یا زیاد برخوردار بوده‌اند بیشتر می‌نماید. جدول شماره ۶ وضعیت دو نوع نابرابری درآمدی و قومی - قبیله‌ای را در نزد موردها نشان می‌دهد.

جدول ۶: میزان تطبیق و تکرارپذیری «نابرابری»

درصد	جمع	مصادیق				عامل نظری		
		مورد چهارم	مورد سوم	مورد دوم	مورد اول	انواع	عامل	
		احساس نابرابری در مقایسه یا خویشاوندان در زمان بر شکستگی خانواده	—	احساس نابرابری شدید یا مقایسه وضعیت مالی خود با خانواده مقتول	—	درآمدی	احساس نابرابری	
۵۰	۲	۱	۰	۱	۰	مقولات انتطیافی		
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)		
		احساس نابرابری شدید بین شمالی بودن یا دیگر قومیت‌ها	—	—	احساس نابرابری بین شمالی‌ها یا دیگر اقوام	قومی		
۵۰	۲	۱	۰	۰	۱	مقولات انتطیافی		
۱۰۰	۴	۱	۱	۱	۱	کل مقولات (N)		
۵۰	۴	۲	۰	۱	۱	مقولات انتطیافی		
۱۰۰	۸	۲	۲	۲	۲	کل مقولات (N)		
						جمع		کل
						کل مقولات (N)		

احساس نابرابری درآمدی در بین دو نمونه از موردها تکرار شده است که شدت آن طبق اظهارات پاسخ‌گو برای مورد دوم شدیدتر بوده است. هم‌چنین تکرارپذیری احساس نابرابری قومی برابر دو بار است که حالت مورد چهارم منحصر به فرد بوده، زیرا علت و انگیزه اصلی ارتکاب قتل مطابق گفته‌های پاسخ‌گو همین عامل بوده است. در مجموع ۵۰

درصد تکرارپذیری در زمینه نابرابری در نزد موردها مشاهده شده است. اگر بخواهیم وضعیت ابعاد و عوامل اصلی تشکیل دهنده نظریه که فرضیات تحقیق براساس آن شکل گرفته است را به صورت درصدی بیان داریم و میزان انطباق و تکرارپذیری آن را با اصل نظریه مقایسه کنیم، نتیجه‌ای همانند جدول شماره ۷ قابل استخراج است.

جدول ۷: فراوانی موارد انطباقی ابعاد اصلی نظریه

درصد	جمع	ابعاد نظریه				انواع	موردها
		نابرابری	انتظارات	نیاز	فرصت		
۷۳/۰۸	۱۹	۱	۱	۳	۱۴	مقولات انطباقی	مورد اول
۱۰۰	۲۶	۲	۲	۴	۱۸	کل مقولات (N)	
۵۳/۸۵	۱۴	۱	۲	۲	۹	مقولات انطباقی	مورد دوم
۱۰۰	۲۶	۲	۲	۴	۱۸	کل مقولات (N)	
۵۰	۱۳	۰	۲	۳	۸	مقولات انطباقی	مورد سوم
۱۰۰	۲۶	۲	۲	۴	۱۸	کل مقولات (N)	
۶۹/۲۳	۱۸	۲	۱	۳	۱۲	مقولات انطباقی	مورد چهارم
۱۰۰	۲۶	۲	۲	۴	۱۸	کل مقولات (N)	
۶۱/۵۳	۶۴	۴	۶	۱۱	۴۳	مقولات انطباقی	جمع کل
۱۰۰	۱۰۴	۸	۸	۱۶	۷۲	کل مقولات (N)	

داده‌های جدول نشان می‌دهد که در مجموع بیش از ۶۰ درصد ابعاد اصلی نظریه در موردها دیده شده است. در این میان موردهای اول و چهارم دارای موقعیتی منحصر به فرد بوده‌اند در حالی که دو مورد دوم و سوم وضعیتی متوسط داشته‌اند. از این رو بهتر است که در این زمینه بین دو دسته از قتل‌های هیجانی و برنامه‌ریزی شده تمایز قایل شد، زیرا هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود شدت و میزان انطباق موارد در قتل‌های برنامه‌ریزی شده بیش‌تر مشاهده می‌شود.

## ۵) بحث و نتیجه گیری

این تحقیق از یک سو نشان داد که همانند پیش‌تر مطالعات مربوط به قتل، نظیر ساوولاین (Sawolainen, 2000)، پرات و گودسی (Pratt and Godsey, 2003)، و مسنر (Messner, 1989) و بلاو (Blau, 1982) متغیر نابرابری عاملی مشترک در ارتباط با آدم‌کشی است که همیشه اثری مستقیم داشته لیکن در این‌جا نابرابری نه به صورت یک متغیر مستقیم، بلکه به عنوان یک عامل تشدیدکننده و تسهیل‌کننده در ارتباط با دیگر متغیرهای مستقل وارد عمل می‌شود. بر خلاف تعدادی از کارهای صورت گرفته که رابطه بین وضعیت مادی و قتل را رابطه‌ای خطی و معکوس دانسته، نظیر مطالعات لافتین و پارکر (Loffin & Parker, 1985) در این‌جا تحلیل‌ها نشان دادند که رابطه بین این دو به شکل سهمی است. هم‌چنین بخشی از یافته‌ها مهر تایید بر نظریات بی‌سازمانی اجتماعی، خرده فرهنگ خشونت و سرمایه اجتماعی است. در نهایت مهم‌ترین وجه تمایز این کار با کارهای دیگر خاصیت ترکیبی متغیرهاست بدین معنی که نحوه اثرگذاری هر یک از متغیرها منوط به فراهم شدن شرایط ترکیب بیان شده یا همان تابع کژرفتاری است.

از طرف دیگر یافته‌های تجربی به دست آمده، همگی پیش‌بینی‌های نظریه چلبی را تایید کردند. در بعد فرصت‌ها، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در اختیار داشتن فرصت‌ها و امکانات مادی بیش از اندازه همانند عدم دسترسی به این امکانات در بروز کژرفتاری و قتل نقش دارد. هم‌چنین عدم برخورداری از فرصت‌های اجتماعی به‌ویژه روابط اجتماعی سالم چه از نوع رسمی نظیر عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و چه از نوع غیررسمی مانند روابط دوستانه می‌تواند افراد را به سمت ارتکاب جرم و بروز خشونت بکشانند. در واقع این یافته تاثیر سرمایه اجتماعی را در کاهش جرم تایید می‌نماید. به بیانی دقیق‌تر این بدان معناست که بین سطح تولید فرصت‌ها و کژرفتاری (دگرکشی) یک رابطه سهمی به شکل U معکوس وجود دارد. بر این اساس بیش‌تر قاتلین یا فرصت‌های مادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی در اختیار داشته‌اند و یا برعکس به میزان بسیار پایینی از این مواهب برخوردار بوده‌اند.

در بُعد نیازها، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷۵ درصد موردها در زمینه ارضای

نیازهای مادی خود دچار مشکل بوده و کمبودهای ویژه‌ای را در زندگی خود تحمل کرده‌اند. علاوه بر این افراد مرتکب قتل در زمینه ارضای نیازهای اجتماعی و فرهنگی در زندگی خود تجربه‌های سخت و تلخی داشته‌اند.

میزان و نوع انتظارات افراد مهم و بانفوذ و به ویژه والدین از فرزندان تاثیر شدیدی بر جهت‌گیری رفتاری آن‌ها می‌گذارد، به شکلی که اگر میزان این انتظارات خارج از توان فرزندان باشد و یا اگر حالتی عکس داشته باشد، یعنی این که فرزندان فکر کنند به حال خویش رها شده‌اند موجب بروز رفتارهای انحرافی در آن‌ها می‌شود.

علاوه بر این ابعاد، نابرابری به عنوان یک عامل تکمیل‌کننده و تسهیل‌کننده در بروز کژرفتاری‌ها عمل می‌نماید. احساس نابرابری و احساس محرومیت زمینه را برای بروز رفتارهای انحرافی فراهم می‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که احساس نابرابری قومی گاه به تعارض و تضاد قومی ختم می‌شود که نمونه‌ای از این حالت در یکی از موردها مشاهده شد. از طرفی احساس نابرابری مادی نیز در ارتباط با یکی از موردها عامل تشدیدکننده دگرگشی قلمداد می‌شود.

در نهایت می‌بایستی به این نکته توجه داشت که انطباق اجزای نظریه کژرفتاری چلبی در خصوص قتل‌های برنامه‌ریزی شده بیش‌تر مشاهده شده و این نکته ما را بر آن می‌دارد که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در این رابطه بین دو دسته از قتل‌های هیجانی و برنامه‌ریزی تفاوت قایل شویم.

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- بی، ارل، (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (ترجمه رضا فاضل)، تهران، انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۵)، «به طرف یک نظریه عمومی کژرفتاری»، در تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تألیف مسعود چلبی، تهران، نشر نی.
- رایبکتین، ارل و واینبرگ، مارتین، (۱۳۸۲)، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی (ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- زکی، محمدعلی، (۱۳۷۴)، بررسی نقش عوامل اجتماعی موثر بر قتل در استان اصفهان سال‌های ۷۲ و ۷۱ و ۱۳۷۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۰)، «طرح مسایل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت‌ها»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳: ۲۸-۱۱.
- عبدی، عباس، (۱۳۶۷)، مسایل اجتماعی قتل در ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- غانمی، کفاح، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به قتل‌های ناموسی در خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم.
- کشکولی، کریم، (۱۳۷۴)، مطالعه تطبیقی دگرگشی جنایی در استان‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کوثری، مسعود، (۱۳۸۶)، «تحلیل مقایسه کیفی در علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱: ۱۶۷-۱۴۳.
- کی‌بین، رابرت، (۱۳۷۸)، طرح تحقیق و روش‌های موردپژوهی (ترجمه هوشنگ نایی)، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی آینده‌پویان.
- محسنی تبریزی، منوچهر، (۱۳۷۲)، بررسی علل و عوامل موثر بر افزایش نرخ خودکشی در استان ایلام و شناخت طرق و راه‌های پیشگیری و درمان آن، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- محمدی‌اصل، عباس، (۱۳۸۳)، «اختلالات کارکردی خانواده، مدرسه و گروه‌های همالان و تاثیر آن بر بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره: ۱۰۱.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و استنیس، جفری، (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری، گذری بر



نظریه‌های جرم‌شناسی (ترجمه علی شجاعی)، تهران، انتشارات سمت.

- Blau, J. R. & Blau, P. M. (1982), "The Cost of Inequality. Metropolitan Structure and Violent Crime", *American Sociological Review*, 47.
- Fattah, Ezzat.A. (1997), *Criminology, Past, Present and Future: A Critical Overview*, United state, ST.Martins Press.
- Gadds, D. & Farrall, S. (2004), "Criminal Career, Desistance and Subjectivity", *Theoretical Criminology*. Vol.8(2).
- Hanon, L. (2004), "Race, Victim Precipitated Homicide and the Subculture of Violence Thesis", *The Social Science Journal*, No.41.
- Loftin, C. & Parker, RN. (1985), "An Errors-invariable Model of the Effect of Poverty on Urban Homicide Rates", *Criminology*, 23
- Messner, Steven F. (1989), "Economic Discrimination and Societal Homicide Rate, Further Evidence on the Cost of Inequality", *American Sociological Review*, Vol.54.
- O'Brien, R. & Stockyard, J. (2002), "Variation in Age-specific Homicide Death Rates; a Cohort Explanation for Changes in the Age Distribution of Homicide Deaths", *Social Science Research*, vol.37.
- Pratt, Travis C. & Godsey, Timothy W. (2002), "Social Support and Homicide: A Cross-national Test of an Emerging Criminological Theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol.30.
- Pratt, Travis C. & Godsey, Timothy W. (2003), "Social Support, Inequality and Homicide: A Cross-national Test of an Integrated Theoretical Model", *Criminology*, Vol.14(3).
- Sawolainen, J. (2000), "Inequality, Welfare State and Homicide: Further Support for the Institutional Anomic Theory", *Criminology*, Vol.38(4).
- Wikstrom, Pre-olof H. (1998), "Communities and Crime", *The Handbook of Crime and Punishment*, Edited by Michael Tonry, New York, Oxford University Press.



پښتونستان د علوم او مطالعات فریښتی  
پرتال جامع علوم انسانی